




نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

صفحات: ۷۳-۸۸

10.52547/mmi.1965.14000610 

نقش مادی‌ها در شکل‌گیری حس تعلق به مکان ساکنان

همجوار آن*

مرجان امجد** فرهنگ مظفر*** شیرین طغیانی**** وحید قاسمی*****

چکیده

بعد مکانی نیاز به تعلق، آشکارکننده پیوند انسان و مکان است. اگرچه حاشیه مادی‌ها باعث حضور و ثبات عناصر طبیعی در شهر اصفهان است، توسعه جوامع انسانی، تغییر شیوه زندگی و استقرار گروه‌های جمعیتی جدید در منازل آپارتمانی، سبب قطع ارتباط طبیعت مادی‌ها و ساکنان شده و این عدم ارتباط بر ضعف حس تعلق افراد افزوده است. از آنجا که تعامل میان انسان و محیط بر ارتباط کاربران با محیط‌های ساخته‌شده و حس تعلق آنان مؤثر است، این مقاله در پی یافتن پاسخ این سؤال است که "مؤلفه‌های عوامل کالبدی- محیطی نتیجه‌بخش بر افزایش حس تعلق به مکان ساکنان محلات مسکونی مجاور مادی‌ها کدام هستند؟". شناسایی و طبقه‌بندی مؤلفه‌های کالبدی- محیطی مؤثر بر حس تعلق ساکنان و همچنین نحوه و میزان تأثیرگذاری عوامل عملکردی و ادراکی حاصل از عوامل کالبدی- محیطی مادی‌ها در ایجاد حس تعلق ساکنان، هدف اصلی این پژوهش است. در جهت پاسخ به سؤالات، از روش همبستگی استفاده شد. جمع‌آوری داده‌ها به منظور مرور نتایج تحقیقات صورت گرفته به روش اسنادی از جمله؛ نوشته‌ها و ادبیات، داده‌های آماری، اسناد تاریخی و اسناد دیداری صورت گرفت. مطالعه میدانی به صورت گردآوری داده از ساکنان محلات مجاور مادی‌ها با ابزار پرسش‌نامه و به روش پیمایشی صورت پذیرفت. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه توسط نرم‌افزار Spss^۱ نسخه ۲۶ و Amos^۲ نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند بین طبیعت زیبای مادی‌ها با چهار مؤلفه "عناصر طبیعی، خوانایی، خاطره‌انگیزی، منحصربه‌فرد بودن" و عوامل عملکردی با مؤلفه‌های "خودبستگی و لذت از مکان" و عوامل ادراکی با مؤلفه‌های "رضایتمندی، اشتیاق، افتخار، مردم‌دوستی و سازگار بودن" رابطه مستقیم وجود دارد که بر ارتباط کاربران با محیط تأثیر گذاشته و حس تعلق به مکان ساکنان همجوار مادی‌ها را افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مادی‌ها، حس تعلق به مکان، محلات مسکونی، شهر اصفهان

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مرجان امجد با عنوان «اصول طراحی نمای مسکونی و منظر تحت تأثیر تعلق مکانی ساکنان (مطالعه موردی بناهای مسکونی مجاور مادی‌های شهر اصفهان)» به راهنمایی دکتر فرهنگ مظفر و دکتر شیرین طغیانی و مشاوره دکتر وحید قاسمی در دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد است.

marjanamjad74@gmail.com

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

*** دانشیار، گروه معماری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و

f.mozaffar@au.ac.ir

صنعت، تهران، ایران) (نویسنده مسئول).

Toghyani.shirin@gmail.com

**** استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

***** استاد، گروه معماری، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، ایران).

.ghasemi@tr.ui.ac.ir

مقدمه

منظر شهرها مانند پوسته ظاهری و بیرونی هر زیستگاه، نگاه هر ناظر و رهگذر را به خود جلب کرده و اولین چیزی است که شهروند درون فضای شهر با آن ارتباط برقرار می‌کند (Alishah et al, 2016; Stiles et al, 2014). معنابخشی به زیست‌انسان‌ها در محیط، از طریق ویژگی‌هایی رقم می‌خورد که در ابعاد مختلف کالبدی، قابل مطالعه هستند. ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی محیط می‌توانند کیفیت زندگی ساکنان را افزایش دهند (Moulay et al, 2018: 28).

مادی در لهجه اصفهانی، به معنای نهرهای فراخ منشعب‌شده از رودخانه زاینده‌رود است. مادی‌ها از سمت جنوب غربی به شمال شرقی شهر اصفهان در حرکت هستند و نه تنها بر بافت و محدوده اطراف خود تأثیر گذاشته، بلکه از خصوصیات کالبدی، تاریخی و اجتماعی محل عبور خود تأثیر پذیرفته‌اند و همچون نشانه شاخص شهری، حس مکان و حس دلبستگی در کاربران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دلبستگی به نشانه‌های شاخص شهری باعث می‌شود مردم از تمایز و هویت خود در مکان، احساس آرامش، راحتی و ایمنی کنند (تصویر ۱). مادی‌ها با برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب، به‌عنوان مکان‌هایی برای بازگشت مداوم مردم به آنها، ارزشمند و متمایز هستند (نامداریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۸). برهمکنش دو عامل انسان و محیط، بیان‌کننده تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنها بر هم است. انسان به فضاها معنا می‌بخشد و بنا بر ارزش‌های فرهنگی محیط خود و متناسب با آن رفتار می‌کند.

امروزه توسعه جوامع انسانی بر سکونت مردم بی‌تأثیر نبوده، چنانچه تغییر شیوه زندگی و آپارتمان‌نشینی باعث ایجاد فاصله بین طبیعت مادی‌ها و ساکنان شده است. ساکنان به‌عنوان گروه‌های جمعیتی جدید به محلات وارد شده و در منازل آپارتمانی مستقر شدند. محلات مسکونی با بناهای درهم‌تنیده و انبوه اتومبیل‌ها از مجاورت با عناصر طبیعی محروم شدند و از کنش و واکنش بی‌واسطه بین ساکنان محلات و طبیعت کاسته شد؛ به صورتی که این دوری فیزیکی از طبیعت، غربت معنایی و تأثیرات روحی- روانی را به‌دنبال داشت. در این باره، نظریه‌پردازانی چون چرمایف^۳ و کریستوفر (۱۳۹۵) در کتاب "عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی به جانب یک معماری انسانی"، به خلأ ناشی از دوری طبیعت در زندگی انسان معاصر پرداخته و اشاره به مشکل شدن ارتباط انسان با طبیعت دارند و معتقد هستند که مظاهر و عوامل طبیعی نقصان یافته، در حالی که عوامل ساخته آدمی افزایش پیدا کرده؛ به قسمی که تمیز یکی از دیگری مشکل است. پس

چون آدمی بالقوه قادر به نظارت و ایجاد نظام در استفاده از مظاهر طبیعی است، می‌تواند جریان نامطلوب گذشته را متوقف سازد و نیروی خود را این‌بار در حفظ یا مصرف عاقلانه مظاهر طبیعی به‌کار اندازد.

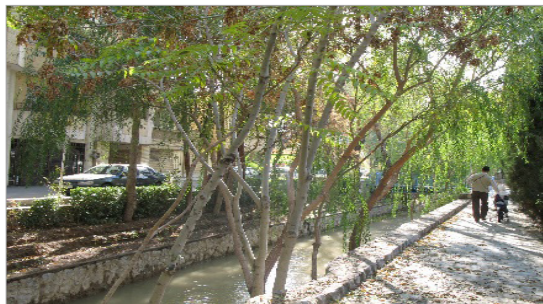
معضل قطع ارتباط انسان امروزی با طبیعت، ضعف حس تعلق و در نتیجه عدم مشارکت ساکنان در بهبود فضاهای محله‌ای، از رایج‌ترین موضوعات محلات مسکونی شهر اصفهان هستند. مادی‌ها، سبزه‌راه‌هایی که زندگی در بناهای دو طرف آنها جاری است، می‌توانند به‌عنوان نشانه‌های شهری در محلات مسکونی، نقش برجسته‌ای در تقویت این ارتباط تضعیف‌شده و ارتقای حس تعلق ساکنان همجواری خود ایفا نمایند که این خود ضرورت مطالعه را بر ما نمایان می‌سازد. برای رسیدن به هدف تحقیق، ابتدا با مطالعه پیشینه تحقیق و بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران، ابعاد حس تعلق به مکان مشخص شدند، سپس تأثیر طبیعت مادی‌ها به‌عنوان متغیر مستقل بر تعلق به مکان با عنوان متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گرفت. در پایان، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حس تعلق مشخص و دسته‌بندی شدند.

هدف مقاله، یافتن پاسخ به دو سؤال زیر در جهت بررسی نقش مادی‌ها در نهادهای شدن حس تعلق به مکان ساکنان همجواری آنها است.

- مؤلفه‌های عوامل کالبدی- محیطی مادی‌ها مؤثر بر حس تعلق کدام هستند و چگونه طبقه‌بندی می‌شوند؟
- تأثیر مؤلفه‌های عملکردی و ادراکی، مفهومی حاصل از مؤلفه‌های کالبدی- محیطی مادی‌ها بر حس تعلق چگونه است؟

پیشینه پژوهش

نیاز به تعلق که ابعاد و نمودهای متفاوتی دارد، از اساسی‌ترین نیازهای انسان است و باعث تغییر فضا به مکانی با ویژگی‌های خاص می‌شود. بعد مکانی نیاز به تعلق، در مطالعات فراوانی مورد ارزیابی قرار گرفته است (Fried & Gleicher, 1961)



تصویر ۱. محلات مسکونی مجاور مادی‌ها و طبیعت موجود (نگارندگان)

ایجاد خاطره‌ها)، احساسی (حس مثبت، حس عاطفی، دوست داشتن، حس مباحثات، علاقه، افتخار و حساسیت) و عملکردی (وابستگی، رضایتمندی، راحتی، دسترسی، تنوع فعالیت‌ها، رفع نیازهای روزانه) دانسته و سعی در توانمندسازی متخصصان معماری در شناخت بهتر خصوصیات کالبدی فضاهای باز که باعث ارتقای حس دلبستگی ساکنان به فضای سکونت آنها می‌شوند، داشته‌اند.

داعی پور (۱۳۹۳) در مقاله پژوهشی "رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران" با انگیزه توجه به طبیعت و قابلیت‌های نهفته در آن، مطرح کرد که طبیعت و عناصر طبیعی با قابلیت فعال‌سازی تمامی حواس و پاسخ‌گویی به فعالیت‌های عملی و نیز به لحاظ وجود وجوه معنایی عاطفی در پیشینه ذهنی ادراکی انسان، از متغیرهای مهم در ادراک و تعلق مکانی است. جمع‌بندی مطالعات نظری، گواه نقش مثبت حضور طبیعت در کسب حس تعلق مکانی به واسطه قابلیت فعال‌سازی ادراکات حسی، فعالیتی و ذهنی معنایی انسان است.

پیترز^۴ و همکاران (2017) در مقاله "نقش محیط‌های طبیعی در ایجاد احساس تعلق: مطالعه مقایسه‌ای مهاجران در ایالات متحده، لهستان، هلند و آلمان" محیط‌های طبیعی را در رابطه با سه عامل پایه‌ای؛ تاریخ، مکان و مردم بررسی کردند. مطالعات نشان دادند که مهاجران به واسطه شبکه خاطرات، ارتباط با مکان را توسعه می‌دهند. پژوهشگران، روابط اجتماعی پدیدآمده در محیط‌های طبیعی را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند.

میر قاسمی و همکاران (2014) در مقاله‌ای با عنوان "نوسازی رودخانه شهری با قدمت تاریخی در مالزی: یک چارچوب قابل‌تصور و پیامدهای مورد انتظار" بیان می‌کنند که شریان‌های آبی در شهر، نشانه‌های مهم چشم‌انداز شهری بوده که تحت فشار توسعه شدید شهرها در خطر آسیب جدی هستند. در مسیر توسعه شهرها، کیفیت منابع محیط زیست و زیبایی‌شناسی شهری نیز در خطر است. آنها هدف از مطالعه را رسیدن به نیاز به توسعه در عین حفاظت رودخانه‌های شهری به‌عنوان میراث تاریخی و نوسازی چارچوب ادراکی می‌دانند. این مطالعه چارچوب مفهومی است در خصوص ویژگی‌های جدید و عمیق، کیفیت و ارزش نشانه شاخص از لحاظ ارتباط بین ادراک انسان، حفاظت از محیط زیست و دلبستگی که تأثیر مثبتی بر مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دارد. نتایج مطالعه، تأکید بر حفظ عناصر طبیعی شهری، ارتقای حس دلبستگی و حس مکان، افزایش حیات نشانه‌های خاص سایت، بهبود کیفیت زندگی، افزایش درک زیبایی و زیبایی‌شناسی و

Riger & Lavrakas, 1981; Altman, 1992; Stedman, 2003; Steele, 1981; Anton & Lawrence, 2014)

محققان ادعا می‌کنند هم‌آوایی معماری و طبیعت، باعث کمال‌بخشی به فضاها، ایجاد زمینه فعالیت‌های اجتماعی و پیدایش سطح بالایی از دلبستگی است (Kyle et al, 2005; Ramkissoon et al, 2012; Pong Tam, 2013; بهزادپور، ۱۳۹۷؛ علیخواه و شادمنفعت، ۱۳۹۵) و بسیاری از صاحب‌نظران، حس تعلق به مکان و هماهنگی با طبیعت را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند.

نوروزیان ملکی و امیددی (۱۳۹۹) در مقاله "ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی - اجتماعی بر حس مکان در فضاهای باز مجتمع مسکونی" با هدف ارائه راهکارهای طراحی فضاهای باز مسکن در جهت افزایش حس مکان در محیط مسکونی، به بررسی مشکلات و به دنبال آن، بیان راهکارهای مناسب در جهت ایجاد دلبستگی به مکان پرداخته و سعی در نشان دادن اهمیت ایجاد فضاهای باز مطلوب و ارتقای حس مکان در مجتمع‌ها مسکونی داشته‌اند. بخشی از نتایج حاصل شده نشان داد که دید واحدی به فضای سبز در ارتقای دلبستگی مکان در مجتمع‌های مسکونی، مؤثر است. رحیمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله "ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دلبستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران" با هدف طبقه‌بندی مؤلفه‌های کیفی سازنده فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی تهران و بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی در ایجاد حس دلبستگی به مکان، پژوهشی با روش ترکیبی و به کمک راهبرد علی-مقایسه‌ای انجام دادند. در این پژوهش، مؤلفه‌های فعالیتی (عملکرد) در چهار مفهوم؛ امکان فعالیت‌های خاص، امکان فعالیت‌های متنوع، امکان ارتباطات و پیوندها و تناسب فعالیت‌ها با نیازهای انسانی تعریف شدند و مؤلفه‌های ادراکی (معنا) در سه مفهوم؛ امکان ادراک و تصور مکان، حس جذابیت و دعوت‌کنندگی و حس خوشایند حضور در مکان مطرح شدند. نتایج پژوهش نشان دادند که مؤلفه‌های کالبدی اعم از انسجام و وحدت، حریمیت، مدیریت تسهیلات و نظارت، عناصر طبیعی و سبز، غنای بصری و قابلیت جهت‌یابی و خوانایی به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیرگذاری را بر حس دلبستگی به مکان دارند. معصومی و میرخطیب (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در ایجاد حس دلبستگی به مکان" به منظور ارزیابی تأثیر فضای باز و سبز بر حس تعلق به مکان ساکنان، معیارهای ارزیابی را متشکل از بعد معنایی (ارتباطات هویتی و فرهنگی ساکنان با فضای باز، تناسبات کالبدی و فرهنگی، مکانی برای تعاملات و آشنایی افراد،

افزایش فعالیت‌های زندگی عمومی (پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، برای اهداف سفر و تفریح) دارند.

مطالعات مرتبط با موضوع نشان دادند که پژوهش‌ها به ابعاد مختلف ارتباط طبیعت و حس تعلق به مکان پرداخته‌اند. در بسیاری از پژوهش‌ها تأثیر حضور عناصر طبیعی بر احساس و ادراک کاربران فضا مورد مطالعه قرار گرفته، اما در قالب تحقیق کمتر به ارتباط ساکنان با طبیعت مادی‌ها پرداخته شده است. تفاوت پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها، در چگونگی رابطه عوامل کالبدی، محیطی طبیعت مادی‌ها بر حس تعلق ساکنان است که در این پژوهش برای اولین بار صورت پذیرفته است.

روش پژوهش

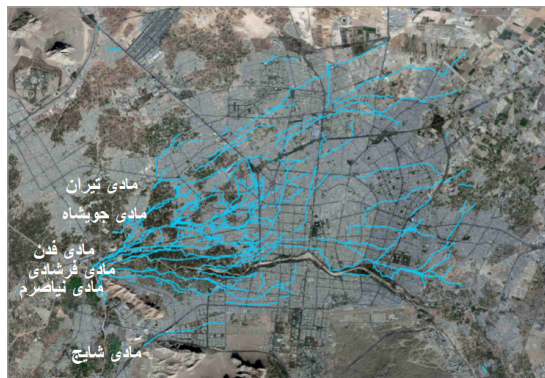
پژوهش از نوع پژوهش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) است. در مرحله کیفی، گردآوری داده‌ها از طریق انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌ها چون؛ مشاهدات مستقیم، مطالعه اسنادی، عکس‌برداری، تصاویر ماهواره‌ای و نقشه‌های موجود انجام شد. مطالعه بر روی محور مادی‌ها به روش میدانی صورت گرفت. در مرحله کمی، گردآوری داده از ساکنان محلات مجاور مادی‌ها با ابزار پرسش‌نامه و به روش پیمایشی صورت پذیرفت و از روش همبستگی برای یافتن ارتباط متقابل و سنجش رابطه بین متغیرها استفاده شد. سپس برای دسته‌بندی الگوهای معنا از دل مجموعه داده‌های حاصل از متون تخصصی، روش تحلیل تماتیک در شش گام شامل؛ آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی تم‌ها، بازبینی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و در آخر تهیه گزارش به کار گرفته شد. در جدول ۱، تم‌های اصلی و فرعی گزینش شده مشخص شدند. در پژوهش حاضر، متغیر طبیعت مادی‌ها با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش در بخش عوامل کالبدی محیطی (۴ مؤلفه) بر حس تعلق به مکان در دو بخش عوامل عملکردی (۲ مؤلفه) و عوامل ادراکی (۵ مؤلفه) مورد سنجش قرار گرفت. اعتبار روش کیفی با استفاده از چهار معیار متصل و مرتبط باورپذیری، اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری مورد تأیید قرار گرفت. همه مطالعات در این بخش، زمینه‌ای مناسب برای تهیه و تنظیم پرسش‌نامه مورد نظر در مرحله کمی شدند. پس از جستجو و مطالعه پرسش‌نامه‌های موجود، از آنجا که چنین ابزاری در پرسش‌نامه‌های قبلی یافت نشد، نیاز به ساخت ابزار محقق‌ساخته مشخص شد.

پرسش‌نامه‌ها بر روی طیف پنج تایی لیکرت ارزش‌گذاری شده و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی منظم در بین ساکنان مادی‌های اصفهان توزیع شدند. ساکنان مجاور مادی‌های

اصفهان به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. جدول ۲، مشخصات جامعه آماری پژوهش را نشان می‌دهد.

حجم نمونه لازم حدود ۲۳۰ نفر جهت جلوگیری از خطای احتمالی در روند نمونه‌گیری در نظر گرفته شد و داده‌های به‌دست‌آمده، توسط نرم‌افزار Spss (نسخه ۲۶) و Amos (نسخه ۲۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. پاسخ‌دهندگان به‌طور میانگین حدود ۲۰ سال (۱۹/۹۶) در مجاورت مادی‌های مذکور سکونت داشتند. از طرفی، پایایی پرسش‌نامه به کمک روش آماری آلفای کرونباخ بررسی شد. بر اساس مقادیر جدول ۳ و مقدار کلی آلفای کرونباخ (۰/۸۳۴)، پرسش‌نامه از پایایی بسیار مناسبی برخوردار بود.

در این پرسش‌نامه که متغیر مورد اندازه‌گیری خود از متغیرهای دیگر تشکیل شده، سعی در حفظ روایی محتوا با تنظیم جداول هدف-محتوا شد. بر اساس پاسخ ده نفر از متخصصان، برای نسبت روایی محتوا (CVR) اعداد بالاتر از ۰/۶۲، مورد قبول واقع شدند. برای شاخص روایی محتوا (CVI) بر اساس پاسخ متخصصان، سؤالات با شاخص کمتر از ۰/۷۹ حذف شدند. از بین مادی‌هایی که در بافت کنونی شهر اصفهان در جریان بودند، مادی‌هایی که بیشترین تراکم مسکونی را دارا بوده و طبیعت زیبای خود را بیشتر حفظ کرده، مد نظر قرار گرفتند که عبارت هستند از؛ مادی نیاصرم (پرآب‌ترین مادی)، مادی فرشادی (طولانی‌ترین مادی)، مادی فدن و مادی‌های تیران، جوی‌شاه، شایج و نایج (تصویر ۲). داده‌های حاصل از پرسش‌نامه توسط نرم‌افزار Spss و Amos مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تحلیل آمار توصیفی و آمار استنباطی در نرم‌افزار Spss انجام شد. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه، از آلفای کرونباخ و جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف کمک گرفته شد. برای سنجش و تحلیل مسیر اثرگذاری مؤلفه مادی بر مؤلفه حس تعلق و همچنین برای تحلیل عاملی



تصویر ۲. مادی‌ها با بیشترین تراکم مسکونی (URL: 1)

تأییدی متغیرهای مؤلفه‌های مذکور، از مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos استفاده شد.

مبانی نظری

این بخش از پژوهش، حاصل جست‌وجوهای وسیع و عمیق پیرامون موضوع در منابع موجود است که در دو بخش کلی ارائه شده است.

جدول ۱. متغیرهای پژوهش و مقوله‌های منتج از مطالعات کیفی

گروه‌ها	صاحب‌نظران	مقوله‌ها		متغیر پژوهش	
		فرعی	اصلی	مستقل	مادی‌ها
منحصر به فرد، تداعی‌کننده خاطره‌ها، قابل تشخیص و خوانا، ایجاد حس آرامش و آسایش اقلیمی	رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)؛ معصومی و میرخطیب (۱۳۹۶)؛ رضوانی و همکاران (۱۳۹۶)؛ نامداریان و همکاران (۱۳۹۵)؛ توکلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)؛ صادقی (منتشر نشده)؛ فلاحت (۱۳۸۵)؛ پیترز و همکاران (۲۰۱۷)؛ براون و همکاران (۲۰۱۵)؛ میرقاسمی و همکاران (۲۰۱۴)؛ پونگ تام (۲۰۱۳)؛ رامکیسون و همکاران (۲۰۱۲)؛ امجد و همکاران (۲۰۱۲)	غنای بصری، خاطره‌انگیزی، جهت‌یابی و خوانایی، عناصر طبیعی	عوامل کالبدی محیطی	مستقل	مادی‌ها
برآورد توقعات اساسی و امکان فعالیت‌های متنوع، برآورد توقعات موضوعی و امکان فعالیت‌های خاص	رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)؛ معصومی و میرخطیب (۱۳۹۶)؛ رضوانی و همکاران (۱۳۹۶)؛ نامداریان و همکاران (۱۳۹۵)؛ توکلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)؛ صادقی (منتشر نشده)؛ داعی‌پور (۱۳۹۳)؛ فلاحت (۱۳۸۵)؛ براون و همکاران (۲۰۱۵)	خودبستگی، لذت از مکان	عوامل عملکردی		
مشائق به تداوم حضور، احساس رضایت از حضور در مکان، احساس عزت نفس از حضور در مکان، علاقه به دیدار افراد، سازگار با سبک زندگی و محیط به همراه امکان ادراک و تصور مکان	رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)؛ معصومی و میرخطیب (۱۳۹۶)؛ رضوانی و همکاران (۱۳۹۶)؛ نامداریان و همکاران (۱۳۹۵)؛ توکلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴)؛ صادقی (منتشر نشده)؛ داعی‌پور (۱۳۹۳)؛ دانشپور و همکاران (۱۳۸۸)؛ فلاحت (۱۳۸۵)؛ براون و همکاران (۲۰۱۵)؛ میرقاسمی و همکاران (۲۰۱۴)	رضایتمندی، افتخار، اشتیاق، مردم‌دوستی، سازگار و مناسب بودن	عوامل ادراکی (احساسی و مفهومی)	وابسته	حسن تعلق

(نگارندگان)



عناصر طبیعی در شهر هستند. ویژگی‌هایی چون؛ خوانایی، هویت‌مندی، امنیت و ایمنی، آرامش و تعلق خاطر و جاذب جمعیت بودن، از مهم‌ترین ویژگی‌های این مسیرهای سبز و محورهای ارزشمند هستند (Amjad et al, 2012: 14). مادی‌های اصفهان با خصوصیتی چون محدود و گزینشی نبودن عناصر طبیعی و حضور متنوع و مستمر مجموعه‌ای از عناصر طبیعت، به‌عنوان عاملی شناخته می‌شوند که موجبات ترغیب افراد به ملاقات‌ها و بحث و گفتگو را فراهم می‌آورند و ساکنین را از محیط‌های خصوصی و انزواگرایی به محیط‌های جمعی و پرنشاط دعوت می‌نمایند و از این رهیافت، باعث افزایش تعاملات حسی و فعالیتی ساکنین، رشد پهنه ادراکی و نهایتاً افزایش حس تعلق و افزایش رضایت‌مندی ساکنین می‌شوند (نامداریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۸). در طومار شیخ بهایی، تعداد نهرهایی که از زاینده‌رود جدا می‌شود ۷۸ عدد ذکر شده که از این تعداد، اکنون ۱۰ مادی در بافت کنونی شهر اصفهان جاری هستند (حسینی ابری، ۱۳۷۹: ۵۲). این مادی‌ها که شهر اصفهان را تحت پوشش آب جاری خود قرار داده، عبارت هستند از؛ در شمال رودخانه: مادی نیاصرم، فرشادی، فدن، تیران، قمیش، در جنوب رودخانه: شایج، نایج و عبدالله خان، در مرکز: نیاصرم، فرشادی، فدن، جوی‌شاه. مادی‌ها در شهر اصفهان، نشانه‌های شهری هستند که سبب وضوح و غنای فضاهای شهری شده‌اند و بدین طریق، شهروندان را از چگونگی کنار هم قرارگیری فضاها و مکان‌ها آگاه کرده و حس جهت‌یابی و حس تعلق آنها را ارتقا می‌بخشند. مادی‌ها

همچون مسیرهای مرجع در محلات شهر اصفهان، به‌سازمان دادن فضا در ذهن هر بیننده‌ای کمک می‌کنند، امتدادهای اصلی شهر را مشخص می‌کنند، از عناصر اصلی استخوان‌بندی و منظر محلات شهری به‌حساب می‌آیند و در ذهن ماندگار شده و باعث خوانایی و جهت‌یابی در شهر می‌شوند.

حس تعلق

در روان‌شناسی محیطی، تعلق مکان، به بررسی رابطه شناختی و عاطفی فرد با محیط فیزیکی و اجتماعی می‌پردازد که نتیجه دلبستگی عاطفی و احساس علاقه و پیوند با مکان است (Bonaiuto et al, 1999; Jorgensen & Stedman, 2001; Riger & Lavrakas, 1981; Kyle et al, 2005; Hanks et al, 2020).

برخی از پژوهشگران، عوامل مؤثر بر حس تعلق را در زمینه فردی به‌ویژه بر حس تعلق فیزیکی - عملکردی دانسته و عده‌ای، زمینه اجتماعی و روابط افراد را برشمرده و بسیاری از مطالعات بر پایه چگونگی شکل‌گیری تعلق مکانی، در مجموعه‌های کالبدی و زمینه‌های طبیعی مطرح شده‌اند (Brown et al, 2015: 42).

در بسیاری از مطالعات، عوامل شکل‌گیری حس تعلق به مکان در شاخص‌های کالبدی، ادراکی احساسی و عملکردی - فعالیتی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ صادقی، منتشر نشده؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فلاحت، ۱۳۸۵). بعد کالبدی نسبت به توقعات و نیازهای

جدول ۲. جامعه آماری مورد بررسی به تفکیک جنسیت، سن، تحصیلات، تأهل و مالکیت

جنسیت	سن		تحصیلات					تأهل	مالکیت				درصد پرسش‌نامه اخذشده						
	زن	مرد	۱۸-۳۰	۳۱-۴۰	۴۱-۵۰	بالا تر از ۵۰	دیپلم		فوق دیپلم	لیسانس	بالا تر لیسانس و	مجرد		متاهل	مالک	مستاجر	تیاصرم	فرشادی	فدن
	۶۱/۵۰٪	۳۸/۵۰٪	۱۵/۱۵٪	۲۱/۳۵٪	۲۵/۲۶٪	۳۸/۳۴٪	۳/۵۰٪	۲۰/۳۵٪	۷/۱۰٪	۴۴/۶۳٪	۲۴/۵۲٪	۲۰/۳۹٪	۷۹/۷۱٪	۸۹/۹۴٪	۱۰/۰۶٪	۳۵٪	۲۵٪	۲۰٪	۲۰٪

(نگارندگان)

جدول ۳. آلفای کرونباخ برای هر مؤلفه

ابعاد	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
مادی‌ها	۴	۰/۷۵۰
حس تعلق	۷	۰/۸۲۱

(نگارندگان)

به مکان را تقویت می‌کند. افراد در مکان‌هایی با ویژگی‌های مشترک، خود را به‌عنوان بخشی از یک اجتماع مکانی معرفی می‌کنند و به این ترتیب، حس تعلق آنها نسبت به مکان افزایش می‌یابد (Smith, Unpublished).

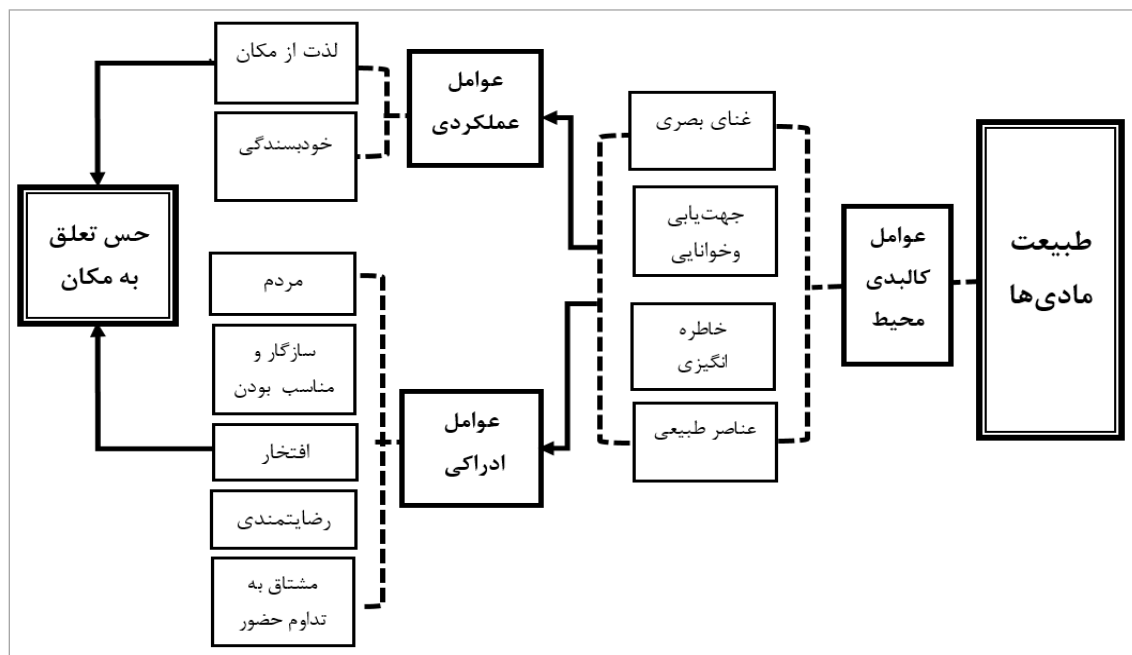
عناصر طبیعی، جزئی از وجود انسان هستند که باعث آرامش فرد می‌شوند و نشان‌دهنده هویت طبیعی هر مکان هستند. این آرامش نه تنها دارای جنبه کالبدی، بلکه دارای جنبه احساسی و روانی نیز است؛ به صورتی که عناصر طبیعی به‌عنوان نشانه‌های آشنا با شهروندان ارتباط برقرار کرده و جزئی از وجود و خاطره آنها هستند (خطیبی، ۱۳۹۲). طبیعت و فضاهای سبز، عامل تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای ساکنان است. این حس، عامل مهم در شکل‌گیری حس تعلق مکانی بوده و نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های باکیفیت است (بهزادپور، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

بهره‌گیری از طبیعت، یکی از راه‌های دلبستگی به مکان است. طبیعت در تماس با موجودات، روح حیات را در آنها می‌دمد و امکان رویش آنها را فراهم می‌کند. علاقه به طبیعت و میل به نزدیک شدن به عناصر طبیعی و زنده به‌طور وسیعی بر ارتباط کاربران با محیط‌های ساخته‌شده مؤثر است. با توجه به آنچه گفته شد، مؤلفه‌های در نظر گرفته‌شده در سه عامل کالبدی محیطی، عملکردی و ادراکی، عملکردی و ادراکی در شکل‌گیری طبیعت مادی‌ها در القای حس تعلق به مکان نقش داشته‌اند. بر اساس مطالعات، نمودار فرآیند پژوهش در تصویر ۳ تنظیم شد.

کاربران فضا و نقش کالبدی حس تعلق در مطالعات فراوانی مورد ارزیابی قرار گرفته است (Fried & Gleicher, 1961; Riger et al, 1981; Altman, 1992; Stedman, 2003; Anton & Lawrence, 2014). چگونگی تأثیر کالبد در تقویت حس تعلق به مکان برای راهکارهای محیطی در جهت بهبود کیفیت و طراحی آگاهانه محیط این بعد از حس تعلق مصداق پیدا می‌کند (Brown et al, 2015). بعد عملکردی فعالیت بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان اشاره دارد و شامل مواردی چون مشارکت و برقراری تعاملات اجتماعی در اجتماعات محلی و محیط است. این بعد، فرصت‌هایی که یک مکان برای رفع نیازها و اهداف فراهم می‌کند را نشان می‌دهد (پتانسیل یک مکان در ارضای نیازها و اهداف یک فرد) (Ibid). از دیدگاه صاحب‌نظران، نوع فعالیت‌های مکان سبب کسب معنا از مکان و زمینه پیدایش دلبستگی به مکان می‌شود (Proshansky et al, 1983; Altman, 1992).

در بعد ادراکی، شناخت ابزاری است برای قضاوت و ارزیابی مکان و در فرد باعث افزایش حس تداوم و پایداری در زمان و مکان می‌شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱). بعد ادراکی احساسی مرتبط با خصوصیات فردی، اشاره به وضعیت تأهل، جنسیت و درآمد فرد در میزان حس تعلق به مکان دارد (Brown et al, 2015; Gustafson, 2001).

یک مکان با ویژگی‌های منحصر به فرد به‌عنوان بخشی از یک چارچوب اجتماعی مکانی ویژه، حس تعلق افراد نسبت



تصویر ۳. نمودار فرآیند پژوهش (نگارندگان)

یافته‌های پژوهش

نرمال بودن داده‌ها، شرط استفاده از نرم‌افزار Amos است. بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی پژوهش، با استفاده از مقادیر جدول ۴ صورت گرفت. مقادیر مربوط به چولگی^۷ در بازه $[-۳$ و $+۳]$ و مقادیر مربوط به کشیدگی^۸ در بازه $[+۱۰$ و $-۱۰]$ قرار داشتند که نشان‌دهنده پیروی داده‌ها از توزیع نرمال بود؛ بنابراین امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک و نرم‌افزار Amos برای معادلات ساختاری وجود داشت.

ضریب همبستگی

آزمون پیرسون، مناسب برای مجموعه آزمون‌های پارامتریک است. برای استفاده از این آزمون، باید هر دو متغیر از نوع کمی بوده و دارای مقیاس سنجش نسبتی باشند (طبیعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲۱).

در پرسش‌نامه، متغیر "مادی‌ها" در چهار گویه و متغیر "حس تعلق" در هفت گویه مورد سؤال واقع شد (جدول ۳). برای بررسی همبستگی بین دو متغیر، ابتدا میانگین چهار گویه مادی‌ها و میانگین هفت گویه حس تعلق محاسبه شد و با استفاده از دستور ادغام^۹، یک ستون جدید در نرم‌افزار^{۱۰} ایجاد شد. به این ترتیب، متغیرهای مربوطه از حالت کیفی

و رتبه‌ای (طیف لیکرت) به حالت کمی درآمدند. سپس با توجه به توزیع نرمال داده‌ها، از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون بین تک‌تک متغیرها استفاده شد.

مقادیر جدول ۵ نشان دادند با توجه به ضریب همبستگی بین متغیرهای مادی و حس تعلق - عملکردی برابر ۰,۶۷۴ و بین مادی و حس تعلق- ادراکی برابر ۰,۵۶۸ مقدار P-value برابر ۰,۰۰۰ (کوچک‌تر از ۰/۰۵) مقادیر ضرایب همبستگی از لحاظ آماری معنادار و بین متغیرها رابطه معناداری برقرار است.

برآورد الگوی تحلیل مسیر

برای تبیین پدیده مورد پژوهش و اندازه‌گیری متغیرهای پنهان تعریف‌شده، به برآورد الگو و تحلیل شاخص‌های کلی و جزئی الگو پرداخته شد تا حمایت‌کنندگی داده‌های تجربی الگوی نظری تدوین‌شده مشخص شود. ارزیابی برازش الگو به داده‌ها، مهم‌ترین مرحله در تجزیه و تحلیل آماری SEM است. ابتدا شاخص‌های کلی برازش بررسی شدند. در جدول ۶ کلیه شاخص‌های مطلق، تطبیقی و مقتصد مشخص شدند. با توجه به اینکه مقدار P بزرگ‌تر از ۰/۰۵ و شاخص کای اسکوتر نسبی مدل ۳,۹۰۵ بود، پس مقدار کای اسکوتر برای الگو مناسب بود و تفاوت معناداری بین ماتریس وارینانس و کوواریانس مشاهده‌شده با ماتریس وارینانس و کوواریانس بازتولیدشده وجود نداشت (جدول ۶). برازش خوب الگو با توجه به GFI

جدول ۴. مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها

متغیر	مینی موم	مکزیموم	چولگی	C.I.	کشیدگی	C.I.
q11	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱,۳۰۷-	۸,۰۹۲-	۲,۲۱۶	۶,۸۶۰
q10	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱,۳۵۸-	۸,۴۰۹-	۱,۸۵۱	۵,۷۳۰
q9	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۸۵۳-	۵,۲۷۹-	۷۲۹.	۲,۲۵۸
q8	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۴۵۷-	۲,۸۲۸-	۵۱۶-	۱,۵۹۹-
q7	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱,۰۹۸-	۶,۷۹۸-	۱,۴۲۰	۴,۳۹۵
q6	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱,۰۰۵-	۶,۲۲۳-	۲,۶۳۹	۸,۱۶۸
q5	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۹۷۴-	۶,۰۳۲-	۱,۳۰۵	۴,۰۴۰
q1	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۵۵۲-	۳,۴۱۷-	۴۶۵-	۱,۴۴۰-
q2	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۷۳۶-	۴,۵۵۷-	۷۴۱.	۲,۲۹۴
q3	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۳۲۴-	۲,۰۰۹-	۰۶۳.	۱۹۶.
q4	۱,۰۰۰	۵,۰۰۰	۶۵۵-	۴,۰۵۶-	۳۸۷.	۱,۱۷۰
چند متغیره	-	-	-	-	۵۳,۶۳۷	۲۴,۰۵۰

(نگارندگان)

جدول ۵. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

همبستگی‌ها				
ادراکی	عملکردی	مادی		
حس تعلق				
**۵۶۸.	**۶۷۴.	۱	Pearson Correlation	مادی
۰۰۰.	۰۰۰.	-	Sig. (2-tailed)	
۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	N	
-	۱	**۶۷۴.	Pearson Correlation	عملکردی
-	-	۰۰۰.	Sig. (2-tailed)	
	۲۳۰	۲۳۰	N	
-	-	**۵۶۸.	Pearson Correlation	احساسی
-	-	۰۰۰.	Sig. (2-tailed)	
-	-	۲۳۰	N	

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

(نگارندگان)

جدول ۶. شاخص‌های کلی برازش تحلیل مسیر

تأیید مدل	مقادیر برازش یافته تحقیق	برازش قابل قبول مدل	برازش خوب مدل	شاخص	
✓	۳,۹۰۵	هر چه کوچک‌تر	نزدیک به صفر (صفر برازش کامل مدل)	χ^2	شاخص‌های برازش مطلق
✓	۰,۰۶۷	بزرگ‌تر از ۰,۰۵	بزرگ‌تر از ۰,۰۵	p-value	
✓	۰,۹۹۲	بین ۰,۹۰ تا ۰,۹۵	بالاتر از ۰,۹۵	GFI	
✓	۰,۹۵۷	بین ۰,۹۰ تا ۰,۹۵	بالاتر از ۰,۹۵	CFI	شاخص‌های برازش تطبیقی
✓	۰,۹۹۲	بین ۰,۹۰ تا ۰,۹۵	بالاتر از ۰,۹۵	NFI	
✓	۰,۹۳۵	بین ۰,۹۰ تا ۰,۹۵	بالاتر از ۰,۹۵	AGFI	شاخص‌های برازش مقتصد
✓	۳,۵۹۲	مقادیر بین ۳ تا ۵	مقادیر بین ۱ تا ۳	CMIN/DF	
✓	۰,۷۶۴	بین ۰,۵۰ تا ۰,۶۰	بالاتر از ۰,۶۰	PRATIO	
✓	۰,۵۹۲	بین ۰,۵۰ تا ۰,۶۰	بالاتر از ۰,۶۰	PCFI	
✓	۰,۵۷۸	بین ۰,۵۰ تا ۰,۶۰	بالاتر از ۰,۶۰	PNFI	

(نگارندگان)



الگو برابر با ۰,۹۹۲ که عدم تفاوت بین ماتریس وارینانس و کوواریانس باز تولید شده و ماتریس وارینانس و کوواریانس را مشخص کرد، تأیید شد. مدل از برازش کاملاً خوبی برخوردار بود؛ چرا که CFI برابر با ۰,۹۵۷ محاسبه شد.

برازش خوب الگو توسط داده‌ها، حاصل از شاخص‌های کلی است. به عبارتی، مشخص شد که داده‌های جمع‌آوری شده به خوبی الگو را مورد حمایت قرار داده‌اند.

شاخص‌های مورد بررسی در روش SEM معرفی شدند. با استفاده از نتایج جدول ۵، تست فرضیات به کمک داده‌های جمع‌آوری شده صورت پذیرفت تا شاخص‌های کلی برازش تحلیل مسیر ارائه شوند. دو شاخص جزئی مقدار بحرانی C.R^{۱۱} و مقدار P، جهت آزمون معناداری فرضیه‌ها به کار برده شد. مقدار بحرانی، از حاصل تقسیم "تخمین ضریب رگرسیون" بر "خطای استاندارد" به دست آمد که همان آزمون معناداری ضرایب مسیر است. مقدار بحرانی خارج از بازه (۱,۹۶ -۱,۹۶-)، نشان دهنده یک مسیر معنادار است (یعنی $P < 0.05$) (تصویر ۴).

عوامل عملکردی حاصل از عوامل کالبدی - محیطی مادی‌ها بر حس تعلق ساکنان به طور معنی‌دار تأثیر دارند. همان‌طور که در جداول ۷ و ۸ دیده می‌شود، بار عاملی تأثیر مادی بر حس تعلق - عملکردی برابر ۰,۹۰۵ است؛ همچنین نسبت بحرانی (C.R) - آزمون معناداری ضرایب مسیر - برابر ۱۲,۷۵۶ است که در خارج از بازه (۱,۹۶ -۱,۹۶-) قرار دارد.

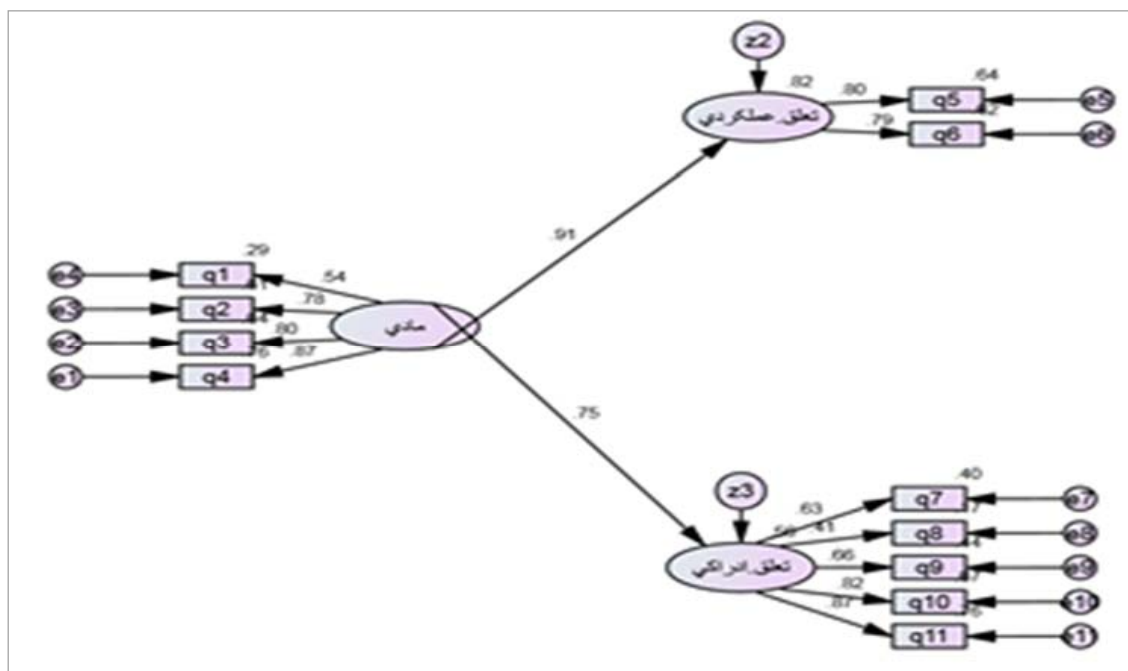
قرار دارد و سطح معناداری به دست آمده کوچک‌تر از ۰,۰۵ است. بنابراین، عوامل عملکردی حاصل از عوامل کالبدی - محیطی مادی‌ها بر حس تعلق تأثیر معنی‌دار دارند.

عوامل ادراکی حاصل از عوامل کالبدی - محیطی مادی‌ها بر حس تعلق ساکنان به طور معنی‌دار تأثیر دارند. همان‌طور که در جداول ۷ و ۸ دیده می‌شود، بار عاملی تأثیر مادی بر حس تعلق - ادراکی برابر ۰,۷۴۶ است؛ همچنین نسبت بحرانی (C.R) - آزمون معناداری ضرایب مسیر - برابر ۸,۴۷۸ است که در خارج از بازه (۱,۹۶ -۱,۹۶-) قرار دارد و سطح معناداری به دست آمده کوچک‌تر از ۰,۰۵ است. بنابراین، عوامل ادراکی حاصل از عوامل کالبدی - محیطی مادی‌ها بر حس تعلق ساکنان تأثیر معنی‌دار دارند. در جدول ۸، ضرایب استاندارد هر عامل مشخص شدند.

از بین چهار گویه مورد مطالعه مؤلفه مادی، شاخص "عناصر طبیعی" با ۸۷ درصد تغییرات دارای بیشترین وزن است. حس تعلق با هفت گویه در دو مقوله مورد بررسی قرار گرفت و شاخص "اشتقاق به تداوم حضور" از مقوله تعلق - ادراکی با وزن ۸۷ درصد، بیشترین اثرگذاری را بر این نوع تغییرات نشان داد و در مقوله تعلق - عملکردی، لذت از مکان با ۸۰ درصد دارای بیشترین وزن و اثرگذاری بود.

تحلیل یافته‌ها

با مرور ادبیات تحقیق و توجه به تحقیقات و سوابق صورت گرفته در زمینه موضوع پژوهش و بررسی دیدگاه‌های



تصویر ۴. ضرایب استاندارد الگوی معادلات ساختاری مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان)

جدول ۷. وزن‌های رگرسیونی یا ضرایب تأثیر به روش برآورد حداکثر درست‌نمایی

مسیر	Estimate	S.E.	C.R.	P	Label		
تعلق. عملکردی	<---	مادی	.۷۸۰	.۰۶۱	۱۲,۷۵۶	***	تأییدشده
تعلق. ادراکی	<---	مادی	.۵۵۷	.۰۶۶	۸,۴۷۸	***	تأییدشده
q4	<---	مادی	۱,۰۰۰	-	-	-	-
q3	<---	مادی	.۸۰۶	.۰۵۶	۱۴,۳۷۷	***	تأییدشده
q2	<---	مادی	.۷۶۰	.۰۵۸	۱۳,۱۱۷	***	تأییدشده
q1	<---	مادی	.۷۰۰	.۰۸۴	۸,۳۲۵	***	تأییدشده
q5	<---	تعلق. عملکردی	۱,۰۰۰				
q6	<---	تعلق. عملکردی	.۸۳۷	.۰۷۱	۱۱,۷۷۷	***	تأییدشده
q7	<---	تعلق. ادراکی	۱,۰۰۰	-	-	-	-
q8	<---	تعلق. ادراکی	.۶۵۹	.۱۱۸	۵,۵۹۹	***	تأییدشده
q9	<---	تعلق. ادراکی	۱,۰۱۷	.۱۲۳	۸,۲۴۳	***	تأییدشده
q10	<---	تعلق. ادراکی	۱,۳۰۹	.۱۳۲	۹,۹۳۵	***	تأییدشده
q11	<---	تعلق. ادراکی	۱,۲۳۲	.۱۲۳	۱۰,۰۰۸	***	تأییدشده

(نگارندگان)

جدول ۸. ضرایب استاندارد وزنی هر متغیر به ترتیب

مؤلفه مورد بررسی	Estimate
عناصر طبیعی	۸۷۳.
مشتاق به تداوم حضور	۸۷۲.
رضایتمندی	۸۲۱.
لذت از مکان	۷۹۹.
خاطره‌انگیزی	۷۹۸.
خودبستگی	۷۹۱.
خوانایی	۷۷۸.
افتخار	۶۶۱.
مردم‌دوستی	۶۲۹.
منحصر به فرد	۵۳۸.
سازگار و مناسب بودن	۴۱۴.
-	۹۰۵.
-	۷۴۶.

(نگارندگان)

صاحب‌نظران این حوزه، مؤلفه‌های کالبدی-محیطی در چهار عامل دسته‌بندی شدند که با توجه به جدول ۸ به ترتیب درصد تغییرات با بیشترین وزن اثرگذاری عبارت هستند از؛ عناصر طبیعی (۸۷ درصد)، خاطره‌انگیزی (۷۹ درصد)، خوانایی (۷۷ درصد)، غنای بصری (۵۳ درصد).

بر اساس نتایج حاصل‌شده، عناصر طبیعی در حاشیه مادی‌ها با بیشترین وزن اثرگذاری، ضامن ایجاد آرامش و آسایش اقلیمی در محدوده شده و بیشترین میزان حس تعلق مکان را در ساکنین برآورده ساخته‌اند. در درجه دوم، خاطره‌انگیزی محیط با تداعی خاطره‌ها در ذهن ساکنان که با مدت سکونت افراد در محل در ارتباط است قرار دارد. پس از آن، به ترتیب جهت‌یابی و خوانایی با ایجاد فضایی قابل تشخیص در تسریع راه‌یابی و حرکت در محلات مؤثر است و در رتبه آخر، غنای بصری که فضای منحصربه‌فرد با خصوصیات ویژه را پدید آورده، باعث ایجاد حس تعلق مکان در ساکنان شده و تصویر ذهنی بهتری برای ساکنان فراهم آمده است.

برای یافتن تأثیر عوامل عملکردی و عوامل ادراکی، مفهومی حاصل از عوامل کالبدی-محیطی مادی‌ها بر حس تعلق با بررسی همبستگی دو متغیر و ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون بین تک‌تک متغیرها، مشخص شد بین متغیرهای عوامل کالبدی-محیطی با عوامل ادراکی و عوامل مفهومی، رابطه معناداری برقرار است. پس از برآورد الگوی تحلیل مسیر، مشخص شد که بار عاملی تأثیر عوامل کالبدی-محیطی ابتدا بر عوامل عملکردی (۰,۹۰۵) است که بر اساس مطالعات و پیشینه تحقیق در مؤلفه‌های خودبسنده‌گی و لذت از مکان تعریف شده است. با توجه به جدول ۷، به ترتیب درصد

تغییرات با بیشترین وزن اثرگذاری بر حس تعلق در مؤلفه‌های عملکردی عبارت هستند از؛ رتبه اول، لذت از مکان (۷۹,۹ درصد) که منظور از آن، داشتن شرایط جهت فعالیت‌های متنوع در محیط و تناسب آنها با نیازهای ساکنان است. زمانی که فضا از کیفیت خوب برخوردار باشد، بر میزان فعالیت‌های گزینشی افراد افزوده شده و وقوع فعالیت‌های اختیاری نیز بیشتر می‌شود. خودبسنده‌گی (۷۹,۱ درصد) با برآورده شدن توقعات اساسی افراد ساکن در محلات مجاور مادی‌ها چون سهولت در رفت و آمد، ورودی‌های شاخص و ... در رتبه دوم قرار گرفت.

در درجه دوم، بار عاملی عوامل کالبدی-محیطی بر عوامل ادراکی-مفهومی (۰,۷۴۶) مؤثر است که بر اساس مطالعه مستندات و سوابق در مؤلفه‌های؛ رضایتمندی، اشتیاق، افتخار، مردم‌دوستی و سازگار بودن به این معنا که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده، تعریف شده است. بر اساس یافته‌ها، به ترتیب درصد تغییرات با بیشترین وزن اثرگذاری بر حس تعلق در مؤلفه ادراکی عبارت هستند از؛ مشتاق به تداوم حضور (۸۷,۲ درصد)، رضایتمندی (۸۲,۱ درصد)، افتخار (۶۶,۱ درصد)، مردم‌دوستی (۶۲,۹ درصد)، سازگار و مناسب بودن (۴۱,۴).

بنابراین ساکنان با اشتیاق به تداوم حضور در محلات و احساس رضایت از حضور در مکان، حس تعلق مکان بیشتری را اعلام کردند. همچنین بر اساس یافته‌ها، حس عزت نفس به همراه افتخار از حضور در مکان و علاقه‌مندی به دیدار افراد و همسایگان به همراه سازگاری با سبک زندگی و شرایط محیط با ایجاد ادراک مثبت محیطی در ساکنان، منجر به سطح بالاتری از حس تعلق مکان شده است.

نتیجه‌گیری

بافت شهر اصفهان با وجود مادی‌های منشعب از رودخانه زاینده‌رود، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است. مادی‌ها در شهر اصفهان، نشانه‌های شهری هستند که سبب وضوح و غنای فضاهای شهری شده‌اند و بدین طریق، شهروندان را از چگونگی کنار هم قرارگیری فضاها و مکان‌ها آگاه کرده و به سازمان دادن فضا در ذهن هر بیننده‌ای کمک می‌کنند، از عناصر اصلی استخوان‌بندی و منظر محلات مسکونی شهر به حساب می‌آیند و در ذهن ماندگار شده و باعث خوانایی می‌شوند. اکثریت ساکنان شهر بیشتر اوقات خود را در محلات مسکونی سپری می‌کنند و نسبت به فضای زندگی خود نوعی احساس دلبستگی دارند که این دلبستگی در محلات مجاور مادی‌ها بیشتر و قوی‌تر است. هدف از پژوهش حاضر، شناخت مؤلفه‌های کالبدی-محیطی طبیعت مادی‌ها، مؤثر بر شاخصه‌های حس تعلق بود. با توجه به یافته‌های تحقیق مشخص شد که مادی‌ها در محلات مسکونی شهر اصفهان با ایجاد چهار اصل، باعث افزایش حس تعلق ساکنان همجواری خود شده‌اند.

اصل اول: آرامش و آسایش / سازگاری فرد با محیط

به واسطه حضور آب و گیاهان زیبای اطراف مادی‌ها، پیوند ذهنی انسان و طبیعت محقق شده که رضایتمندی و سازگار بودن با محیط را برای ساکنان فراهم آورده است. به واسطه حضور عناصر طبیعی، هوای مطلوب به درون بافت تزریق شده و آلودگی صوتی به حداقل ممکن رسیده؛ به این ترتیب، مادی، آرامش و آسایش را برای ساکنان همجوار به همراه دارد که سبب لذت از مکان و سازگاری فرد با محیط شده است.

اصل دوم: واضح و خوانا بودن / لذت از مکان

مادی‌ها به‌عنوان یکی از زیباترین عوارض طبیعی درون بافت شهر اصفهان، با عرض بستر کم در شکل‌گیری گذرهای اصلی پیاده و سواره و گشایش‌های فضایی در محلات مسکونی مؤثر هستند و سبزه‌راهایی را در شهر پدید آورده که همچون نشانه‌های شهری، باعث ایجاد خوانایی، وضوح و غنای محلات همجوار خود نسبت به سایر محلات شهر شده‌اند. این وضوح و خوانایی، باعث آگاهی شهروندان از کنار هم قرارگیری فضاها و مکان‌ها و ارتقای حس جهت‌یابی شده و نقش برجسته‌ای در ارائه تصویر به‌یادماندنی از مکان‌های شهری را دارا است که مؤثر بر لذت از مکان ساکنان شده و اشتیاق و افتخار افراد ساکن در محلات را افزایش می‌دهد.

اصل سوم: خاطره‌انگیزی / مردم‌دوستی و سازگاری

عناصر طبیعی را می‌توان جزئی از وجود و خاطره انسان دانست. هم‌آوایی با طبیعت محلات مسکونی همجوار مادی‌ها همراه با تجدید خاطرات بر حس و روان کاربران و بر روابط افراد مؤثر بوده و تقویت مردم‌دوستی و سازگار بودن با فضا را سبب شده است.

اصل چهارم: منحصر به فرد بودن / خودبسنده‌گی و رضایتمندی

حضور پرپیچ‌وخم مادی‌ها میان بافت محلات با تقویت پیوند آب و گیاه در منظر و سیمای محلات مسکونی، باعث ارزش ویژه دیداری در بافت شهری شده که در واقع همچون چشم‌اندازهای محله‌ای، برای ارتباط نزدیک با عناصر طبیعی برای بیشتر مردم معنایی منحصر به فرد، ویژه و قوی دارند. به این ترتیب، فضای مادی‌ها به مکانی مورد علاقه برای ساکنان تبدیل شده است که باعث خودبسنده‌گی افراد ساکن در محله شده و رضایتمندی افراد را به همراه دارد. طبیعت زیبای منتج از حضور مادی‌ها در چهار اصل؛ حس آرامش و آسایش، خوانایی، خاطره‌انگیزی و منحصر به فرد بودن، باعث پدید آمدن سازگاری با محیط، لذت از مکان، مردم‌دوستی، خودبسنده‌گی و رضایتمندی شده و بر ارتباط کاربران با محیط تأثیر گذاشته و حس تعلق به مکان را افزایش می‌دهد.

پی‌نوشت

1. Statistical Package for the Social Science
2. Amos Graphics
3. Chermayeff
4. Peters
5. Content validity ratio
6. Content validity index
7. Skewness
8. Kortosis
9. Comute
10. Spss
11. Critical Value

منابع و مآخذ

- بهزادپور، محمد (۱۳۹۷). بررسی حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی و نقش طبیعت بر آن (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی اکباتان، پردیسان، زیتون و مهرگان). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال نهم (۳۴)، ۲۰۰-۱۸۳.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ افراسیابی‌راد، محمد صادق و بوجانی، محمد حسین (۱۳۹۴). سنجش میزان احساس تعلق خاطر مکانی و تأثیرات فضایی- مکانی آن در بافت‌های فرسوده شهری. فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۷ (۲۵)، ۱-۲۱.
- چرمایف، سرچ و کریستوفر، الکساندر (۱۳۹۵). عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی به جانب یک معماری انسانی. ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی ابری، سید حسن (۱۳۷۹). زاینده‌رود از سرچشمه تا مرداب. چاپ اول، اصفهان: گل‌ها.
- خطیبی، محمدرضا (۱۳۹۲). تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر (مطالعه موردی: محدوده ورودی سنندج). هویت شهر، ۷ (۱۳)، ۷۲-۶۳.
- داعی‌پور، زینب (۱۳۹۳). رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران. باغ نظر، سال یازدهم (۳۰)، ۵۸-۳۹.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور و چرخیان، مریم (۱۳۸۸). تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱ (۳۸)، ۴۸-۳۷.
- رحیمی، روح‌الله؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران. باغ نظر، ۱۷ (۸۳)، ۳۰-۱۵.
- رضوانی، نوشین؛ بهزادفر، مصطفی و حبیبی، کیومرث (۱۳۹۶). ارزیابی بافت‌های تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان (نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان). نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم (۲۹)، ۴۲-۲۳.
- صادقی، علیرضا (منتشر نشده). "تبیین نسبت حس تعلق با زیباشناسی محیطی در فضاهای عمومی شهر ایرانی- اسلامی". رساله دکتری، معماری. دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- طیبی، سید جمال‌الدین؛ ملکی، محمدرضا و دلگشایی، بهرام (۱۳۹۷). تدوین پایان‌نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی. چاپ نهم، تهران: فردوس.
- علیخواه، فردین و شادمنفعت، معصومه (۱۳۹۵). عشاق و شهر، مطالعه‌ای درباره جوانان و فضاهای عمومی در شهر رشت. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۹ (۱)، ۱۷۶-۱۴۹.
- فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، (۲۶)، ۶۶-۵۷.
- معصومی، مسیح‌الله و میرخطیب، اسماء (۱۳۹۶). بررسی تأثیر طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۲ (۳)، ۷۳-۵۲.
- مهیار، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان. چاپ اول، اصفهان: فرهنگ مردم.
- نامداریان، احمد علی؛ بهزادفر، مصطفی و خانی، سمیه (۱۳۹۵). نقش شبکه مادی‌ها در تحولات سازمان فضایی اصفهان، از آغاز تا پایان دوره صفویه. دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده معماری و هنر مطالعات معماری ایرانی، سال پنجم (۱۰)، ۲۲۸-۲۰۷.
- نوروزیان ملکی، سعید و امید، ندا (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی- اجتماعی بر حس مکان در فضاهای باز مجتمع مسکونی. هویت شهر، سال چهاردهم (۴۱)، ۹۸-۸۷.
- Alishah, M.; Ebrahimi, A. & Ghaffari, F. (2016). The role of buildings facades of an urban landscape (case study: old context of Sari). *The Turkish Online Journal of Design, Art and Communication*, (6), 1347-1356. DOI: 10.7456/1060AGSE/019.
- Altman, I. & Low, S. (1992). *Place Attachment*. New York: Plenum.



- Amjad, M.; Hemmasian ettefagh, M. & Jahanbazi Goojani, M. (2012). Review of Mudies Role on sustainability of Isfahan City. **6th Symposium on Advances in Science and Technolog**. Kuala Lumpur: Organized by Khavaran Institute of Higher Education.
- Anton, C.E. & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of Environment Psychology*, 40 (22), 451-461.
- Bonaiuto, M.; Aiello, A.; Perugini, M.; Bonnes, M. & Ercolani, A.P. (1999). Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in the Urban Environment. *Journal of Environmental Psychology*, 19 (12), 331-352.
- Brown, G.; Raymond, C.M. & Corcoran, J. (2015). Mapping and measuring place attachment. *Applied Geography*, 57 (7), 42-53.
- Fried, M. & Gleicher, P. (1961). Some sources of satisfaction in an urban slum. *Journal of Environmental Planners*, 27 (4), 305-315.
- Gustafson, P. (2001). Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations. *Journal of Environmental Psychology*, 21 (1), 5-16.
- Hanks, L.; Zhang, L. & Line, N. (2020). Perceived similarity in third places: Understanding the effect of place attachment. *International Journal of Hospitality Management*, 86 (8).
- Jorgensen, B.S. & Stedman, R. (2001). Sense of place as an attitude: lakeshore property owners' attitudes toward their properties. *Journal of Environmental Psychology*, 'vjdnal Psychology, 21 (3), 233-248.
- Kyle, G.; Graefe, A. & Manning, R. (2005). Testing the Dimensionality of Place Attachment in Recreational Settings. *Environment & Behavior*, 37 (2), 153-177.
- MirGhasemi, M.; Bin LAmit, H. & HasanuddiShaafghat, A. (2014). Historical Heritage City, s Riverscape Rehabilitation in Malaysha: a Conceotual Framework and Expected o utcomes. *International Journal of Technical Research and Applications*, 17 (10), 104-117.
- Moulay, A.; Norsidah, U.; Suhardi, M. & Sumarni, I. (2018). Understanding the process of parks' attachment: Interrelation between place attachment, behavioural tendencies, and the use of public place, City. *Culture and Society*, 14 (10), 28-36.
- Peters, K.; Stodolska, M. & Horolets, A. (2017). The role of natural environments in developing a sense of belonging: A comparative study of immigrants in the U.S., Poland, the Netherlands and Germany. *Urban Forestry & Urban Greening*, 17 (3), 63-70.
- Pong Tam, K. (2013). Concepts and measures related to connection to nature: Similarities and Differences. *Journal of Environmental Psychology*, 34 (15), 64-78.
- Proshansky, H.M; Fabian, A.K. & Kaminoj, R. (1983). Place-identity; physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3 (1), 57-83.
- Ramkissoon, H.; Weiler, B. & Smith, L.D.G. (2012). Place attachment and pro-environmental behaviour in national parks: The Development of a Conceptual Framework. *Journal of Sustainable Tourism*, 20 (2), 257-276.
- Riger, S. & Lavrakas, P.J. (1981). Community ties: Patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *The Journal of Environmental*, 32 (11), 16-21.

- Smith, K.M. (Unpublished). “*The Relationship between Residential Satisfaction, Sense of Community, Sense of Belonging and Sense of Place in a Western Australian Urban Planned Community*”. PhD thesis, Perth, Western Australia: Edith Cowan University.
- Stedman, R.C. (2003). Is It Really A Social Construction? The Contribution of Physical Environment to Sense of Place. *Society and Natural Resources*, 160 (12), 671-685.
- Steele, F. (1981). **The Sense of Place**. Boston: CBI Publishing Company.
- Stiles, R.; Gasienica-Wawrytko, B.; Hagen, K.; Trimmel, H.; Loibl, W.; Tötzer, T. & Feilmayr, W. (2014). Understanding the whole city as landscape. *A multivariate approach to urban landscape morphology. SPOOL*, 1 (1), 401-418.
- URL 1: www.park.isfahan.ir (access date: 2021/08/19).

